

یادداشت

گیرافتاده بین دوسنگ آسیاب!

ب- رویه دیگر ماجرا یا سنگ دیگر آسیاب، افراد و جریان هایی است که اگرچه به وخامت اوضاع اذعان دارند و مانند دیوان سالاری دولتی، رؤیافروشی نمی‌کنند (شرایط کشور عادی نیست و ممکن است هر لحظه جنگ سخت به جنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اضافه شود... کشور در شرایط غیرعادی را نمی‌توان با همان روشی که کشور در شرایط عادی است، اداره کرد- کیهان- ۶/۱۵) اما با نبود درک صحیح از علت ایجاد وضعیت ناگوار فعلی، راه‌هایی را برای عبور از ابرچالش‌ها و مهم‌ترین آنها در این روزها یعنی گرانی‌های سرسام‌آور و تورم‌های ۴۰،۳۰ درصدی نشان می‌دهند که در صورت اجرا، وضعیت ناگوartری را برای جامعه رقم می‌زند؛ تشدید گرانی‌ها با وجود وفور کالا، طبیعی نیست و مشکوک است و آشکارا همسویی با فشار آمریکایی‌هاست. گرانی‌های عجیب‌وغریب که در تمام کالاها و خدمات مشهود است، از سال گذشته و با آغاز دولت چهاردهم، شروع شده و نمی‌توان آن را نتیجه تحریم و مکانیسم ماشه دانست، بلکه حاصل بی‌عرضگی برخی مسئولان و نوعی همراهی با دشمن است. ستاد تنظیم بازار، وزارتخانه‌های صمت و جهاد کشاورزی راه و شهرسازی، مکلف به کنترل قیمت‌ها در حوزه‌های مختلف هستند اما با وعده‌های بسیار در سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، توییت‌ها و... در عمل، موفق نبوده‌اند (کیهان- ۶/۲۹) ج- اما آنچه جامعه اعم از مردم عادی کوچ‌ه و خیابان تا کارشناسان و نهادها و تشکل‌های مستقل مدنی و صنفی و سیاسی می‌فهمند و می‌خواهند، همان چیزی است که در جهان اطراف‌شان مشاهده می‌کنند و مطابق تجارب موفق بشری است و اثبات‌شده در تحقیقات و پژوهش‌هاست و آن نه برنامه‌ریزی و رفایی و اعداد و ارقامی خیالی دیوان‌سالاران و نه عکس مارکشین و به دوران فلک‌کردن چقال و بقال سقوط‌کردن سیاسی‌کاران است، بلکه فضیلت و ضرورت تولید ثروت و تامین رفاه و آسایش همگانی با اتکا به علم عالمان و خرد بشری و مشارکت اجتماعی و پایان دادن به تضاد و دشمنی با جهان است. این همه اما نیازمند هم دانش و تدبیر و هم شجاعت و تصمیم است: «مشاوران نباید سکوت کنند و اگر نظرات واقعی را مطرح نکنند، خیانت می‌کنند... زمانی با هم قرار گذاشتیم که‌مرانی اول منطقه باشیم و امروز زمان آن رسیده که بپذیریم نادرست عمل کردیم و از اهداف تعیین‌شده فاصله گرفتیم... از مدل اقتصاد دولتی، رشد هشت درصد حاصل نمی‌شود...» (محمد نهاوندیان - رئیس اسبق اتاق ایران - ۶/۲۷). این روزها به نظر می‌رسد آزمون حیاتی برای سنجش تدبیر و شجاعت دولتی است که با وعده کاهش تنش‌ها و درگیری‌های خارجی و گشایش‌های داخلی و ارتقای کیفیت زندگی مردم بر سر کار آمد، دولتی که قرار بود با اجرای پروژه وفای کلیت نظام حکمرانی را با توسعه همراه و هم‌ساز کند و اکنون باید در میدان سازمان ملل نشان دهد توان جلوگیری از درغلندین جامعه به فقر و عقب‌ماندگی بیشتر یا چکانده‌شدن ماشه‌ای دیگر بر این پیکره را دارد. والا با جامعه‌ای روبه‌رو خواهد شد که گیرکرده بین دو سنگ آسیاب نامیدانه راه رهایی می‌جوید: «فتاده زخته سنگ آن‌سوی، انگار کوهی بود/ و ما این سو نشست، خسته انبوهی.../ کسی را مرزا داند که از این رو به آن رویم بگرداند» (کتیبه- اخوان‌ثالث).

آیا آمریکا همچنان در پی مذاکره با ایران است؟

مخاطرات فرضی ناشی از فروپاشی ایران می‌تواند مسری و گسترش‌یابنده باشد و فقط آمریکا با صرف هزینه‌های زیاد مالی و انسانی ممکن است بتواند قادر به مهار و کنترل آن باشد. در همین باره، سیاست داخلی آمریکا و پایگاه اجتماعی ترامپ به او اجازه نمی‌دهد که وارد چنین وادی‌ها و «جنگ‌های بی‌پایان» احتمالی شود؛ جنگ‌هایی که تصویر روشنی از آینده آن وجود نخواهد داشت. بخش مهمی از پایگاه اجتماعی ترامپ که سخت مخالف درگیرشدن آمریکا در چنین ماجراجویی‌ها در خارج است، با حمله محدود به تأسیسات هسته‌ای ایران نیز مخالف بود و به همین دلیل اخیراً تقابل‌هایی نیز با اسرائیل داشته است.

۲- پیش‌فرض نادرست دیگر این سؤال‌ها این است که گویا رابطه بین ایران و آمریکا محدود به برنامه هسته‌ای ایران است و اگر قرار به گفت‌وگو در این مورد نباشد، پس دو کشور حرفی با هم ندارند. آمریکا به عنوان قدرت جهانی و ایران به عنوان کشوری با بهترین موقعیت ژئوپلیتیک که بالقوه قوی‌ترین کشور منطقه است، مستعد آن‌اند که بیشترین تعامل (یا تقابل) را با هم داشته باشند. در دوره ۴۰۰ساله گذشته که قدرت‌های جهانی مثل پرتغال، هلند، انگلیس و آمریکا در منطقه ما حضور داشته‌اند، رابطه ایران با آنها همواره توام با بیشترین تعامل (یا تقابل) بوده است. در حال و آینده نیز گریزی از اینکه یک هژمون جهانی در منطقه ما حضور داشته باشد، نیست و منطق قدرت و رقابت ایجاب می‌کند که ایران با قدرت جهانی بیشترین تعامل (یا تقابل) را داشته باشد.

۳- تعامل بین قدرت جهانی غالب و قدرت‌های منطقه‌ای یک گزینه انتخابی نیست، بلکه ناگزیر است. قدرت‌های جهانی به دلایلی که پرداختن به آنها خارج از حوصله این مختصر است، خود را ناچار از حضور در مناطق مختلف می‌بینند. اگر ما به این الزام راه ندهیم، رقبای منطقه‌ای ما جای ما را می‌گیرند و به ضرر ما از رابطه با قدرت جهانی بهره می‌برند، کمااینکه طی پنج دهه اخیر چنین بوده است.

۴- قدرت جهانی کنونی به‌ویژه با توجه به سیاست‌های دولت کنونی آمریکا، طبعاً ترجیح می‌دهد که کمتر درگیر تنش ژئوپلیتیک در منطقه ما باشد. آمریکا می‌داند که در صورت تخفیف تنش با ایران، فرصت می‌یابد که حضور نظامی خود در منطقه را تا حد بسیار زیادی کاهش دهد و به مرور به صفر برساند. در چنین صورتی، علاوه بر اینکه از هزینه‌های آمریکا و از میزان مخاطرات محتمل کاسته خواهد شد، بلکه آمریکا امکان خواهد یافت تا بر تهدید اصلی یعنی چین متمرکز شود. تمایل برای شیف‌ت به آسیا حداقل از دوره اوباما در مقامات آمریکایی وجود داشته است.

۵- آمریکا به طور اعم و دولت ترامپ به طور اخص مایل به همکاری با ایران در حوزه‌های مختلف هستند. آنها مایل‌اند از دشمنی‌های کنونی عبور کنند و بر کار با ایران که دارای استعدادهای عظیمی در بسیاری از حوزه‌هاست، متمرکز شوند. ایران اخیراً در سطح بالا برای پذیرش سرمایه‌های آمریکایی اعلام آمادگی کرد. در واقع، مذاکره بین ایران و آمریکا باید بر چنین اموری متمرکز شود.

تشریفات نتیجه‌محور یا پروتکل محور

در میان رؤسای جمهوری ایران، مرحوم آقای هاشمی‌رفسنجانی بیشترین از بقیه در طرح رفاقت شخصی و خانوادگی با همسایگان موفق بود. پروتکل‌محورها گارد نگیرند. در شرایط فعلی منطقه، اگر پزشکیان زنگ بزنند به امرای کشورهای منطقه و بگویند من فردا ناهار پیش شما هستم و با خانواده چندساعته بروم و برگردم، یا فرزند رئیس‌جمهور گرفتن دکترای فرزند امیر فلان‌جا را تبریک بگویند، خیلی از رعایت پروتکل‌ها مهم‌تر است. البته سیاست پروتکل‌محور با سیاست دشمنی با دنیا سازگارتر است و سیاست نتیجه‌محور برای همکاری با دنیا ما هم که از دعوا بدمان نمی‌آید. فرصت‌های تاریخی بسیاری که منافع بزرگی از مردم را ضایع کرده است، زیر سایه همین نوع نگاه از دست رفته. این تشریفات دوگانه علاوه بر رئیس‌جمهور و وزیر خارجه، درباره دیگر وزارتخانه‌ها هم کاربرد دارد. طبعاً دیدگاهی می‌گوید ایران کشور بزرگی است. تاریخ دارد. باید همه جلوی این کشور سر خم کنند و ذره‌ای از پروتکل‌ها نباید کوتاه آمد. در ظاهر و باطن حرف درستی است. اما چنان‌که افتد و دانی، ما در شرایطی نیستیم که فقط فخر تاریخی بفروشیم. یکی از قله‌های حل مشکلات مردم ایران با دیپلماسی عمل‌گرا، سفر آقای پزشکشان به سازمان ملل و ملاقات‌های ایشان است. باید ببینیم چقدر نتیجه‌بخش خواهد بود.

📄 ادامه از صفحه اول
--

وحیده کریمی؛ بیش از ۷۰ نماینده مجلس، «عموما از جریان تندروی مجلس»، در نامه‌ای به شورای عالی امنیت ملی و رؤسای سه قوه با اشاره به ضرورت بازنگری در دктین دفاعی ایران، تاکید کردند: به‌کارگیری سلاح هسته‌ای مصداق حرمت فتوای رهبری معظم انقلاب در سال ۱۳۸۹ بوده اما ساخت و نگهداری به عنوان بازدارندگی بحث دیگری است. این درخواست که در کنار تحلیل‌های فنی و ژئوپلیتیکی به‌ویژه در موضوع «بازدارندگی هسته‌ای» مطرح شده، موجب پرسش‌های مهمی درباره تبعات آن در عرصه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی شده است. این تحولات می‌تواند به تغییرات بنیادینی در استراتژی امنیت ملی ایران منجر شود، درحالی‌که چالش‌های اجرایی و تبعات گسترده آن، ایران را در مسیر تصمیم‌گیری‌های حیاتی و پیچیده‌ای قرار داده است. درحالی‌که بحران هسته‌ای ایران همواره در کانون توجه سیاست‌های داخلی و خارجی کشور قرار داشته، دیروز نمایندگان جریان تندروی مجلس شورای اسلامی دوباره خواستار تغییر دکتین هسته‌ای جمهوری اسلامی شده‌اند. این درخواست که با هدف تقویت بازدارندگی هسته‌ای طرح می‌شود، به‌ویژه در سایه تهدیدهای منطقه‌ای و بین‌المللی علیه ایران، رنگ و بوی جدیدی به خود گرفته است. در این میان، چالش‌های بنیادی در راه اجرای این سیاست و پیچیدگی‌های مربوط به آن در کانون توجه قرار دارد. به‌ویژه که چنین درخواست‌هایی تبعات گسترده‌ای در بر دارد و کمترینش تحت فشار قرارگرفتن هیئت ایرانی در نیویورک خواهد بود.

بازدارندگی هسته‌ای؛ یک گزینه یا یک ضرورت؟

برای درک ابعاد این درخواست، لازم است ابتدا به مفهوم «بازدارندگی هسته‌ای» و تفاوت آن با «استفاده از سلاح هسته‌ای» پرداخته شود. طبق سخنان مقامات ارشد نظام، هدف اصلی از دستیابی به توان هسته‌ای، بازدارندگی و حفاظت از امنیت ملی است، نه استفاده از سلاح هسته‌ای. در واقع، جمهوری اسلامی ایران همواره بر این نکته تاکید داشته که استفاده از سلاح هسته‌ای با فتوای رهبری و براساس ملاحظات دینی و اخلاقی ممنوع است. اما در عین حال، برخی از نمایندگان تندرو خواستار تجدیدنظر در این دکتین با هدف مقابله با تهدیدهای بالقوه منطقه‌ای هستند. این‌ درخواست‌ها، به‌ویژه پس از تهدیدها و اقدامات متجاوزانه اسرائیل و حمایت‌های مستمر غرب از این رژیم، نشان از یک تغییر نگرش در داخل کشور دارد. به‌عبارتی، نمایندگان تندرو مدعی هستند با اتکا به قابلیت‌های هسته‌ای، «که البته تحت محلات به تأسیسات هسته‌ای، غنی‌سازی صفر شده است» نه‌تنها بازدارندگی ایجاد کنند، بلکه کشور را از تهدیدهای احتمالی محافظت کنند. به همین دلیل، آنها معتقدند باید دکتین هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به‌گونه‌ای بازنگری شود که توانایی مقابله با تهدیدهای دشمن، به‌ویژه تهدیدهای رژیم صهیونیستی، تقویت شود.

تفاوت شرایط؛ تغییر حکم؟

یکی از نکات کلیدی که در این زمینه مطرح می‌شود، تغییر شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای است که باعث شده بسیاری از تحلیلگران و مقامات ایرانی به تغییر دکتین هسته‌ای فکر کنند. به‌ویژه، عدم پایدی کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی



به تعهدات بین‌المللی و تهدیدهای مستمر علیه ایران، این فرضیه را تقویت کرده است که شاید زمان آن رسیده باشد که ایران استراتژی هسته‌ای خود را بازنگری کند. در این راستا، نمایندگان تندرو در مجلس نیز به‌ویژه بر تغییر شرایط فقهی و سیاسی تاکید دارند و معتقدند «مصلحت حفظ اسلام عزیز» ایجاب می‌کند که در برخی از محدودیت‌های سابق در دکتین هسته‌ای تجدیدنظر شود. اما تبعات این تصمیم فراتر از نمایشی که نمایندگان تندرو به راه انداخته‌اند خواهد بود.

چالش‌های عملی تغییر دکتین هسته‌ای

اما مسئله اصلی که در این میان مطرح است، قابلیت اجرایی این تغییرات است. «دکتین هسته‌ای» به عنوان یک استراتژی نظامی، نیازمند توجه دقیق به چندین فاکتور کلیدی است که تغییر آن بدون در نظر گرفتن ملاحظات فنی، ژئوپلیتیکی و بین‌المللی می‌تواند تبعات ناخواسته‌ای به همراه داشته باشد. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، ارزیابی دقیق تهدیدها و اثرات بلندمدت آن است. به‌ویژه، همان‌طور که کوروش احمدی در یادداشتی به آن اشاره کرده است، تهدیدها باید عینی و مستمر باشند، نه تهدیدهای ناشی از سیاست‌های مقطعی. همچنین، توانایی ایران برای حفاظت از اطلاعات حساس و جلوگیری از افشای جزئیات برنامه‌های هسته‌ای به‌ویژه در صورت تصمیم به ساخت بمب هسته‌ای، یکی دیگر از چالش‌های اساسی است. بررسی‌های جهانی نشان داده‌اند که کشورهای متمایل به دستیابی به سلاح هسته‌ای، باید از توانایی بالایی برای مخفی نگه‌داشتن برنامه‌های خود برخوردار باشند. در غیر این صورت، نه‌تنها خود را در معرض خطر حملات پیشگیرانه قرار می‌دهند، بلکه ممکن است باعث تشدید تنش‌ها در سطح جهانی شوند.

بازدارندگی با مسابقه تسلیحاتی؟

در این بین چنین ادعاهای بدون پشتوانه در سطح منطقه‌ای، ممکن است به رقابت تسلیحاتی جدیدی در خاورمیانه منجر شود. کشورهای همسایه و حتی قدرت‌های بزرگ نظیر آمریکا، روسیه و چین ممکن است واکنش‌های شدیدی به

بیش از ۷۰ نماینده مجلس خواستار به‌کارگیری سلاح هسته‌ای شدند

دکترین هسته‌ای ایران؛ بازنگری یا بحران؟

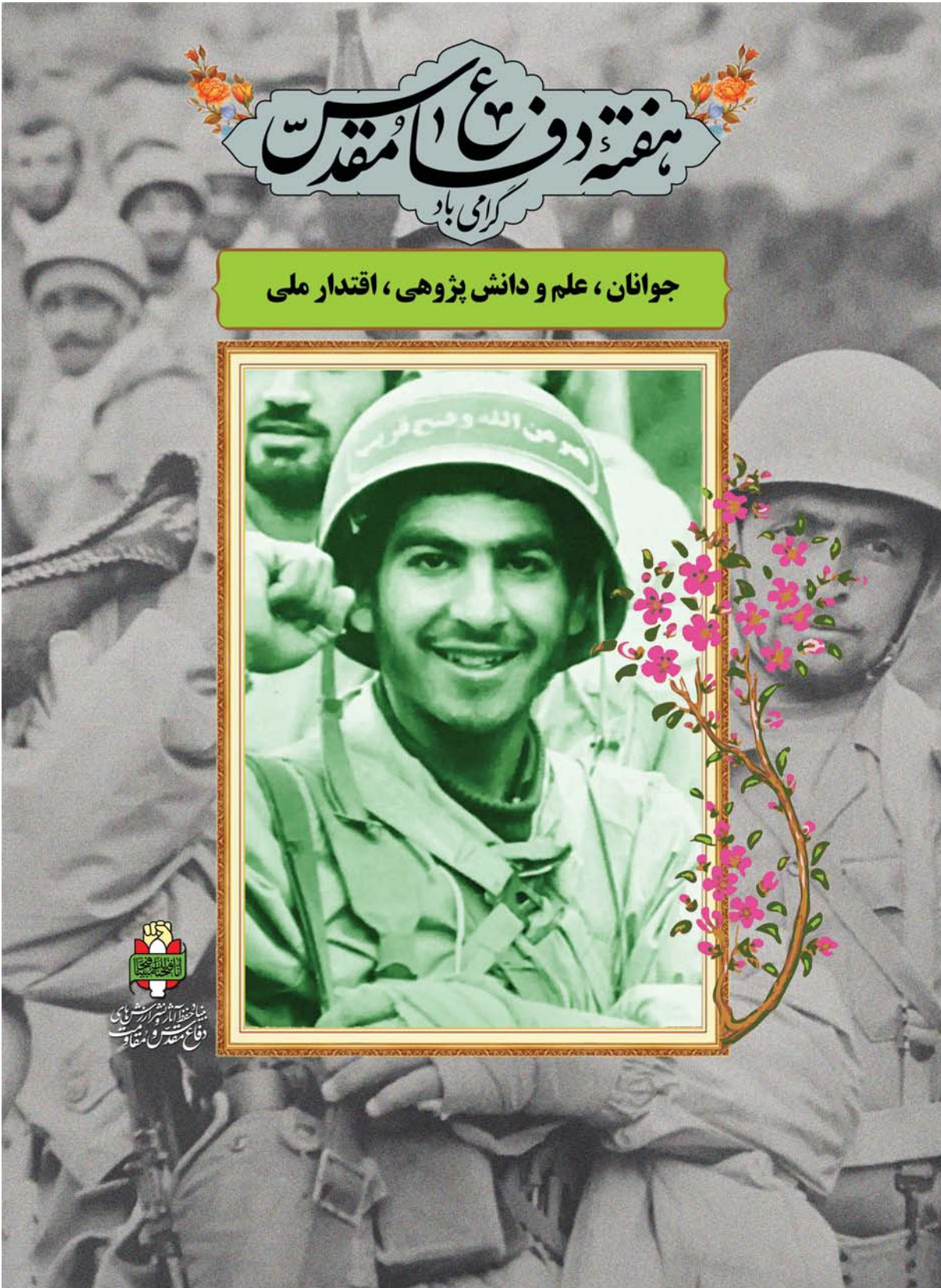
تغییر دکتین هسته‌ای ایران نشان دهند. به‌ویژه این احتمال وجود دارد که سایر کشورهای منطقه‌ای نیز به فکر توسعه توان هسته‌ای خود بپیفتند که این خود می‌تواند باعث تغییرات عمده‌ای در معادلات امنیتی منطقه شود.

در عین حال، به نظر می‌رسد کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده، در صورت تغییر دکتین هسته‌ای ایران، به‌شدت با این اقدام مخالف خواهند بود و ممکن است تحریم‌ها و فشارهای بیشتری را علیه ایران اعمال کنند. حتی نگرانی تکرار حمله نظامی هم قوت خواهد گرفت. از این‌رو این امر نتنها می‌تواند هزینه‌های اقتصادی و سیاسی قابل توجهی را برای کشور به همراه داشته باشد، بلکه ممکن است باعث انزواى بیشتر ایران در سطح بین‌المللی شود.

در متن نامه نمایندگان خطاب به شورای عالی امنیت ملی و رؤسای سه قوه که عموماً از جریان تندرو آن را امضا کرده‌اند، آمده است: «فتوای رهبری معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خاмене‌ای مدظله‌العالی در سال ۱۳۸۹ مبنی بر ممنوعیت تولید و استفاده از سلاح هسته‌ای در حالی صادر شد که مجامع بین‌المللی و کشورهای غربی توان کنترل حداقلی رژیم منحوس صهیونیستی را داشتند. امروز این رژیم غاصب به مرز جنون رسیده و به هرکجا دست پلیدش می‌رسد بدون رعایت هیچ تعهد بین‌المللی هجوم می‌آورد و مردم بی‌گناه را به خاک و خون می‌کشد. مستحضرد تغییر موضوع و تفاوت شرایط در فقه امامیه موجب تعبیر حکم خواهد شد، ضمن اینکه مصلحت حفظ اسلام عزیز که امروز با حفظ نظام جمهوری اسلامی گره خورده از واجبات مهمی است که می‌تواند حکم حرمت اولیه را به عنوان حکم ثانوی تبدیل به حکم جواز کند. براین‌اساس ما نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی درخواست داریم مبتنی بر آیه شریفه: «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهٖ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...» به‌خاطر بازدارندگی در این دنیایی که جبهه استکبار به هیچ تعهد و قانونی پایبند نیست در دکتین دفاعی جمهوری اسلامی تجدیدنظر گردد.

به‌کارگیری سلاح هسته‌ای مصداق حرمت فتوای رهبری معظم انقلاب در سال ۱۳۸۹ بوده اما ساخت و نگهداری به عنوان بازدارندگی بحث دیگری است. مستدعی است از آنجا که مصوبات آن شورا با تایید رهبری معظم انقلاب موضوعیت دارد، این درخواست در اسرع وقت مطرح و نتایج کارشناسی به اطلاع مجلس شورای اسلامی رسانده شود». در نهایت، درخواست نمایندگان تندرو برای تغییر دکتین هسته‌ای ایران، بیشتر به یک اقدام نمادین در راستای افزایش بازدارندگی و مقابله با تهدیدات امنیتی می‌پردازد. با این حال، عملیاتی‌کردن چنین تغییراتی نیازمند تحلیل دقیق تهدیدات و ارزیابی همه‌جانبه از تبعات منطقه‌ای و جهانی آن است. ایران باید تصمیم بگیرد که آیا به دنبال به دست آوردن توان هسته‌ای به عنوان یک ابزار بازدارنده است یا اینکه به سیاست‌های پیشین خود در زمینه کنترل و محدودیت تسلیحات هسته‌ای ادامه خواهد داد. در هر صورت، این مسئله بیش از آنکه یک انتخاب ساده باشد، به یک چالش راهبردی تبدیل شده است که می‌تواند مسیر آینده سیاست خارجی و دفاعی ایران را تحت تأثیر قرار دهد.

این انتخاب، نه‌تنها به عنوان یک استراتژی دفاعی، بلکه به عنوان یک چالش راهبردی، می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر آینده سیاست خارجی و امنیتی ایران داشته باشد.



📄 ادامه از صفحه اول
--



پیشانی‌نویس‌های
تفصیلات و جزئیات